

کی پیرکگور

گام محست در فهم کی پیرکگور

— شلی اوهارا —

ترجمه نادیا بدری زاده



فهرست مطالب

	۱ زندگی کی برکگور
۱۱	اول پدر و بعد پسر
۱۳	کی برکگور راه خودش را می‌جوید
۱۴	کی برکگور عاشق (با فارغ از عشق)
۱۶	آثار کی برکگور به تعداد زیاد چاپ می‌شود
۱۷	کی برکگور مبارزه می‌کند
۱۷	نشریه‌ها
۱۹	کلسای مردم دانمارک
۲	مرگ روده‌گام
	۲ فلسفه کی برکگور
۲۳	تقلای فلسفه مدرن برای رسیدن به پاسخ‌ها
۲۵	کی برکگور به هگل پاسخ می‌دهد
۲۶	پدر اگریسائسالیسم
۲۷	مصامین آثار کی برکگور
۲۸	زندگی چگونه باید ریخته شود؟
۲۹	چگونه می‌توان خدا را شناخت؟
۳	امان چیست؟

۶۳	مسئله سه آیا ابراهیم ناند می گفت؟	۳	اهمیت فرد
۶۴	سحن آخر	۳۱	انثار برای حبر والانر
۶۴	مصامین اصلی در لور و لور	۳۲	چگونه می توان در عالم مسیحیت یک مسیحی بود؟
	۵ پاره نوشته های فلسفی	۳۲	آثار کی بر کگور
۶۸	فلسفه رورگار هگل و لسنگ	۳۲	سنگ بوساری کی بر کگور
۶۸	دوباره هگل	۳۳	نوشته های کی بر کگور با اسم مسعار
۶۸	لسنگ و جهش	۳۴	آثار کی بر کگور با نام خودش
۷	بویسده بوهانس کلنماکوس	۳۶	بوصحی محصص در باره آثار عمده کی بر کگور
۷۱	ترتیب	۳۹	فلسفه کی بر کگور ادامه پیدا می کند
۷۲	چگونه می توان حقیقت را آموخت؟		۳ یا این، یا آن
۷۲	دیدگاه سمراطی	۴۱	«بوسندگان» با این، با آن
۷۳	دیدگاه مذهبی	۴۳	با این، با آن چگونه شکل گرفت
۷۳	حداوید نه عنوان معلم	۴۵	ریدگی از دیدگاهی رسایی طلبانه
۷۵	فکری که نمی توان به آن فکر کرد	۴۵	برس از معهد
۷۶	کدام سبل راحت تر بود؟	۴۶	ملال ریشه شر است
۷۷	مصامین پاره نوشته های فلسفی	۴۷	داسنان اعوا
	۶ مفهوم هراس	۴۸	حرکت نه سوی یک نگرش اخلاقی
۸۲	بویسده ویگیلوس هافیسسر	۵	رویکردی اخلاقی به ریدگی
۸۲	سک بوشناری		۴ ترس و لور
۸۳	گناه نحس آدم و حوا	۵۳	ابراهیم، پدر ایمان
۸۴	فرارگری گناه در خانگاه حود	۵۵	نحش هایی از ترس و لور
۸۵	گناه ناشی از نادانی	۵۶	مقدمه چندمان صححه
۸۶	ناسازیمای گناه	۵۸	همسانی در آن سمرایمانی به موریا چه گذشت؟
۸۶	اصطراب تعریف می شود.	۵۹	دیباچه شهسوار در برابر شهسوار
۸۷	اصطراب و امر مموع	۶	مسئله یک آنا حدا می تواند اخلاق را معلوب کند؟
۸۸	اصطراب آینده	۶۲	مسئله دو آنا ما و طمعیهای قطعی در برابر حداوید داریم؟

رشدگی کی برکگور

حتمت حسب عمر ار رشدگی برای یک عہدہ

سورن کی برکگور

بی شک رشدگی کی برکگور بر اندیشہ و ہوشہای او اثر گذاشتہ است تا تئیر پدر، نامردی و حدایی از نامرد، بریت مدهبی و موارد دیگر ہمگی نقش مهمی در آثار او دارند توحہ کردن بہ رشدگی او، علاوہ بر درک کامل بر آثارش، کمک می کند تا از نقاط ضعف و قوت آنہا بیر آگاہ شویم ہمہ درست ار رشدگی، آموزش و اہداف کی برکگور، شما را برای حواندن و درک ہوشتہ ہانش آمادہ تر می کند

اول پدر و بعد پسر

سورن کی برکگور^۱ (سا تلفظ سیررن کی برکگور، گنا، کی برکگور، یا کی برکگارد) پدجم مہ ۱۸۱۳ در کپہاک^۲ دانمارک نہ دیا آمد او آحرین فرزند ار ہف فرزند جانوادہ بود پدرش میکئل^۳ کودکی ہمیرانہای داشت و در روستایی کوچک نہ چوہانی مشعول بود حتی ریشہ نام جانوادگی کی برکگور نشان

1 Søren Kierkegaard

3 Michael

1 Copenhagen

۸۸	اصطراب برای همه
۹۰	ایمان و اصطراب
۹۲	مصائب مهوم هراس
	۷ پی‌نوشت غیرعلمی پایانی
۹۶	نویسنده و ساحار پی‌نوشت غیرعلمی پانانی
۹۸	مشکلات نا هگل و عقل گرایی
۹۸	نظام هگل
۹۸	نظام ناص
۹۹	نظام کحا و چگونه آغار می‌شود؟
۹۹	نگاه به درون از بیرون
۱۰۰	مشکل اسراعات
۱	حقیقت دهب است
۱۱	دهب ارتناطی
۱۲	چه و چگونه
۱۳	تعریف وجود
۱۴	احلاوق و اتراع
۱۵	جمع در برابر فرد
۱۶	دهمی شدن
۱۷	مسیحی کسب؟
۱۷	پدبرش ناسارماها
۱۸	حاستگاه‌های اگریستاسالسم
۱۸	نمش ایمان
۱۹	دشواری در حقیقت بودن
۱۱	نمش کی بر کگور در مقام نویسنده
۱۱۳	بمانه

از ارتباط میکل با کلیسا دارد او به عنوان کارگر احیرشده در کلیسا (کبرک) روی قسمتی از رمس‌های کلیسا کار می‌کرد تا کمک حرجی برای خانواده‌اش نباشد. میکل را در دوازده‌سالگی برد عمویش که بازرگان موفق بود فرستاد تا با او زندگی کند. میکل در آن‌جا آموزش دید و خود را در بازرگانی به اثبات رساند و چنان زندگی مرفه‌ی ساحت که در چهل‌سالگی بازنشسته شد و نطقه زندگی خویش را در حوشی سپری کرد. میکل پس از مرگ همسر اولش با آنه لوند^۱ ازدواج کرد که خدمتکار مسرل بود و در زمان ازدواجشان فرزند اولشان را باردار شده بود آنه، هر هفت فرزند کی‌یرکگور را به دنیا آورد. سورن کی‌یرکگور چیر کمی در ساره مادرش نوشت بنابراین اطلاعات زیادی در باره او نداریم گفته شده است که او حوش مشرب و نامحبت بود و سواد نداشت.

برست پدر کی‌یرکگور به چند دلیل مهم است. میکل از میان مردمی برمی‌جاست که پارسا و مقصد بودند و عقاید محکمی در باره ریح و گناه داشتند او با تمرکز بر نگاه مستی بر ریح و گناه، در باره رستگاری روحس در شک و تردید بود و از افسردگی ریح می‌برد او اهل مطالعه بود و دوست داشت تا پسرش سورن در باره امور معوی بحث کند. نگرش میکل به زندگی بر اساس نصیر، سبیه و سحی بود و هفت فرزندش را هم بر منای همین جهان‌سی تربست کرد. میکل در کودکی آن‌قدر از سرما و سحی در مرعه ریح کشیده بود که خدا را لعنت فرستاده بود چون او بست به خدا اهانت کرده بود، چسین باور داشت که باعث نمرین خانواده‌اش شده است و فرزندانش بیش از سی و چهارسالگی زندگی نخواهند کرد (مانند مسیح که در سی‌وسه‌سالگی مصلوب شده بود) گرچه میکل تا هشتاد و دو سالگی رنده ماند، تنها دو فرزند از هفت فرزندش (که یکی از آن‌ها سورن بود) از سی و چهارسالگی گذشتند و سورن بار «نمرین» را بر خویش احساس کرد.

1 Anne Lund

سورن کی‌یرکگور از پدرش نوع نگرش به زندگی، افسردگی مادام‌العمر، عشق به مطالعه و بحث‌های عمیق را به ارث برد. سطرهای ریر از یادداشت‌های کی‌یرکگور، این مطلب را نشان می‌دهد.

همه به خاطر رابطه نا پدرم بود؛ فردی که بیش از همه به او عشق ورزیده‌ام این به چه مصاست؟ نمی‌او دهمآ همان فردی است که می‌نواست کسی را مدبخت کند؛ ولی از روی عشق!

کی‌یرکگور راه خودش را می‌جوید

کی‌یرکگور در هفده‌سالگی وارد دانشگاه کپهاگ شد و الهیات خواند. همچس به خواندن فلسفه و ریبابی‌شناسی^۱ روی آورد (شاحه‌ای از فلسفه که به هر و داوری‌های سری می‌پرداخت) بحثس اثر فلسفی کی‌یرکگور *یا این، یا آن*^۲ در باره این موضوع است (در فصل سوم می‌توانید در باره *یا این، یا آن* بیش بر بخوانید). کی‌یرکگور از دوران دانشجویی لذت برد. نامشامه می‌دند، به اپراها و مهمانی‌ها رفت و ندهی‌هایی نالا می‌آورد که برای بازپرداختشان به پدرش متکی بود. نداقل در نگاهی سطحی چسین به نظر می‌آید که سورن کی‌یرکگور از چیرهای هوده و زندگی بی‌هدفانه یک دانشجوی تمام‌وقت لذت می‌برد.

زندگی مفرحانه بیرونی کی‌یرکگور حس فراینده‌ای از نارصایتی از حلا زندگی در خود پنهان کرده بود او در ندادداشت‌هایش خود را به ژانوس^۳ دوچهره تشبیه کند، چهره‌ای می‌حدد و چهره‌ای دیگر می‌گیرد. به نظر می‌رسد او برای پیدا ردن راهش در تقلا بود؛ همچنان که در خاطراتش نوشته است «ایده‌ای که برای

1 Aesthetics

2 Either/Or

Janus در اساطیر رومی ژانوس با بانوس، خدای دروازه‌ها، گذرگاه‌ها و بر خدای آغاها و پانارها بود. وس اغلب با دو چهره یا دو سر به تصویر کشیده می‌شود که از این دو سر یکی به رورسو و دیگری به بت مخالف یعنی پست سر نگاه می‌کند - م